

خارج اصول فقه (۱۴۰۲-۱۴۰۳) - جلسه ۱۵

تاریخ: شنبه ۱۴۰۲/۰۸/۰۶

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

اخلاق

امام عسکری علیه السلام: قلب الاحمق فی فمه و فم الحکیم فی قلبه.

امام علیه السلام در این فرمایش حکیم نشانه ای محسوس برای شناخت احمق و حکیم آورده اند و آن تشخیص این دو است از طریق سنت گفتاری ایشان. یکی پرگو و دیگری کم گو و گزیده گو است. یکی بیشتر میگوید تا بشنود اما دیگری برعکس. یکی هاله ای از شرعیت و دقت بر کلامش حاکم است و دیگری رها است.

و ...

امتداد امر چهارم: بکارگیری واژگان در بیش از یک معنا

امتداد «قرآن و استعمال لفظ در بیش از یک معنا»

چند نکته:

۱. پیشتر گفته شد: این مطلب که قرآن در شب قدر بر قلب پیامبر نازل شده است (چنانکه تفسیر نمونه بر این رأی است)، جای تأمل دارد و ممکن است بر هستی نازل شده باشد که البته قلب پیامبر هم یکی از بهترین هستی‌ها می‌باشد. برخی سؤال نمودند که این مطلب چگونه با برخی آیات شریفه قرآن سازگاری دارد؟ مانند: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ. عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ» یا «فَإِنَّهُ نَزَلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ». پاسخ آن است که معلوم نیست این آیات شریفه مربوط به نزول دفعی قرآن در شب قدر باشد؛ خصوصاً با توجه به تعبیر «نزله» که

۱. الشعراء/ ۱۹۳ و ۱۹۴

۲. البقرة/ ۹۷

گفته می‌شود ناظر به نزول تدریجی بیست ساله می‌باشد. البته ناگفته پیداست تلاشی بیش از این، برای رسیدن به رأی قطعی در چنین مسأله، بیش از آن‌که معذر ما در محضر خداوند باشد، یک ماجراجویی علمی است.

۲. به هنگام بحث از روایات، گفته شد که توسعه در مصداق معنا لزوماً مستلزم تصور یک جامع میان مصادیق نمی‌باشد. هم‌اکنون تأکید می‌نماییم که آن جامعی که رد گردید، جامع طبیعی بود؛ اما باید گفت که در صورتی که هیچ‌گونه جامعی (ولو به تناسب) میان مصادیق تصور نگردد، از حیطة توسعه در مصداق خارج شده، سر از استعمال در دو معنا در خواهد آورد.

۳. برخی راجع به روایت امام صادق علیه‌السلام که فرموده بودند: «فالعبارة للعوام و الاشارة للخواص و اللطائف للاولياء و الحقائق للانبياء» تصور کردند که هر آیه از قرآن، این چهار مرحله را دارا می‌باشد؛ لکن به نظر ما نمی‌توان این مطلب را از این حدیث استخراج نمود؛ آنچه قطعی است، این است که قرآن اجمالاً بر این چهار شیء است.

۴. سؤال شده است: آیا ضرب‌المثل‌ها از قبیل استعمال در بیش از یک معنا یا توسعه در مصداق معنا هستند یا خیر؟ مانند عبارت «جوجه را آخر پاییز می‌شمارند» که در موقعیت‌های متعددی به کار گرفته می‌شود. بی‌تردید پاسخ خواهیم گفت که این نوع استعمال، استعمال تنها در یک معنا می‌باشد؛ بدون هیچ‌گونه توسعه‌ای در مصادیق آن و تنها تفاوت میان این موقعیت‌های متعدد، دواعی گونه‌گون می‌باشد. به این ترتیب که شخص به هنگام بیان این مثل، گاه واقعا قصد دارد که در مرغ‌داری جوجه‌ها را در آخر پاییز بشمارد و گاه نیل به یک نکته اجتماعی در سر دارد. بنابراین مبتنی بر آنچه در فرق میان معنا و داعی گذشت، می‌گوییم آن‌جا که ضرب‌المثل‌ها در موارد مختلفی استعمال می‌گردند، داعی‌ها متعدد و معنا واحد است.

۵. برخی فرموده‌اند که روش ما در مورد بطون قرآن کریم، منجر به این می‌گردد که قرآن کلا یا جلا تبدیل به مجاز بشود. در پاسخ خواهیم گفت:

الف) مجازی شدن قرآن کریم، از آن‌جا که زیبایی آن فزون نموده و هرگز عرصه بر معنای حقیقی تنگ نمی‌نماید، از هرگونه ایراد مبرا می‌باشد؛ مانند این‌که در آیه شریفه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا»، شهور علاوه بر معنای حقیقی، یک معنای مجازی هم دارا شود.

ب) آنچه که ما تحت عنوان توسعه در مصداق معنا بیان کردیم، عمدتاً توسعه به مصادیق حقیقی است؛ نه مجازی.

سپس فرموده‌اند که لازمه‌ی دیگر این روش، قابل فهم شدن برای همگان می‌باشد؛ حال آن‌که گفته شده که بطون اختصاص به راسخین دارد. پاسخ آن است که آنچه به راسخین اختصاص دارد، متشابهات قرآن (که توضیح آن از حیطة مجال ما خارج بود) و نه بطون می‌باشد و رابطه‌ی این دو «عام و خاص من وجه» است. علاوه بر این‌که باطن، پس از بیان امام به ظاهر بالعرض بدل می‌گردد.

خاتمه:

در این بخش، دو روایت را، ولو بی‌ارتباط به بحث بطون و استعمال در بیش از یک معنا، به جهت آشنایی با روش ائمه در برخورد با آیات قرآن، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. روایت نخست صادر از امام مجتبی علیه السلام می‌باشد که ایشان در مورد تعارض دو اقرار سخن گفته‌اند؛ چراکه همان‌طور که بیان شد، علاوه بر شخص دومی که دوان دوان به صحنه قصاص رسید، شخص اول نیز که در خرابه دستگیر شد، اقرار به قتل کرده بود. این‌که امام فرموده‌اند که این شخص دوم، اگر قاتل باشد، در واقع یک نفر را زنده کرده است، از باب این است که اقرار را به تعارض انداخته و اگر اقرار نمی‌کرد دیگری را قصاص می‌کردند. بنابراین به اصطلاح فقهی، امام می‌فرمایند که این مورد از موارد تعارض اقرارین است و در آن، علی‌رغم وجود علم اجمالی، هیچ‌کدام از طرفین به عنوان قاتل ثابت نمی‌شود.^۱ البته بسیاری از علما چنین فتوا نداده و حکم به تخییر ولی دم نموده‌اند. جهت تفصیل بیشتر راجع به این بحث، می‌توانید به مقاله‌ای از اینجانب که مفروض آن، تعارض بی‌تین بوده و به تعارض اقرارین هم اشاره‌ای نموده، مراجعه نمایید.

۲. امام هادی علیه السلام در مورد کسی از اهل کتاب که با زن مسلمانی فجور کرده، فرمودند اسلام او کارساز نیست. این جا است که وقتی که اصحاب خریج ثقیفه را که یحیی بن اکثم و ... باشند، با اصحاب خریج مدرسه اهل بیت علیهم السلام، مقایسه می‌کنیم، به فرط تفاوت میان آن‌ها واقف می‌گردیم؛ چراکه، یحیی بن اکثم قاضی

^۱ . جالب است بدانید در علم اجمالی به قاتل بودن یکی از دو نفر، گفته می‌شود قصاص ساقط است؛ اما دیه چگونه؟ قانون‌گذار ما در سال ۱۳۷۰، حکم به ابقای دیه بر یکی از آن به واسطه قرعه نموده بود؛ اما در قانون جدید مطابق تأکید می‌گردد که ما کردیم، درج شد که دیه می‌بایست از بیت المال داده شود؛ چون که به حسب این حدیث، با علم اجمالی، نمی‌توان قاتل را تشخیص داد.

القضات جهان پهناور آن زمان بود و هیچ کس با او قابل قیاس نبود؛ ولی ببینید این آدم آن گاه که در مقابل استدلال امام قرار می گیرد، چه واکنشی از خود نشان می دهد. این ها از بزرگان اهل تسنن بودند که سطح آگاهی شان در این حد بود.

علی ای حال، این حدیث امام هادی علیه السلام، از باب توسعه در مصداق است؛ یعنی منظور از «بأسنا» در آیه شریفه «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا» فقط عذاب عمومی، مانند آنچه که بر قوم عاد و ثمود و ... گذشت، نمی باشد؛ بلکه مواردی را که عذاب غیرهمگانی باشد نیز از باب توسعه در مصداق، در بر می گیرد.

الحمد لله رب العالمین.